

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۲۲ دسمبر ۲۰۱۱

وقایع و حوادث قبل از قیامت

بخش پنجم

به دوام جنگ با رومی‌ها: محمد گفته است: روز قیامت زمانی فرا خواهد رسید که پیش از آن مسلمانها موفق شده‌اند مرزهای جغرافیائی خود را تا «بوللا» گسترش دهند. سپس محمد رو به علی می‌کند به او می‌گوید: تو یکی از افرادی هستی که در برابر رومی‌ها جنگ خواهی کرد ولی مردم حجاز که از بهترین مسلمانها هستند با گفتن تسبیح (سبحان الله) و تکبیر (الله اکبر) قسطنطنیه را تسخیر خواهند کرد و غنایم زیادی که تا آن زمان بدون پیشینه است بهره آن‌ها خواهد شد. پس از پایان جنگ مسلمانان با سپرهای شان غنایم را بین یک دیگر بخش خواهند کرد. در این هنگام فردی خواهد آمد و خواهد گفت: دجال در سر زمین شما ظهور کرده است. ولی این گفته دروغی بیش نخواهد بود. آنهایی که گفته این شخص را پذیرش می‌کنند و کسانی که آن را نادیده می‌گیرند هر دو گروه تأسف خواهند خورد. (بن ماجه کتاب الفتان حدیث ۴۰۹۴ ج ۲ ص ۱۳۷۰)

مصطفی رید القریشی زمانی به عمر بن العاص گفت: من از محمد شنیدم که گفت: روز قیامت زمانی به وقوع خواهد پیوست که رومی‌ها در اکثریت باشند. عمروالعاص به القریشی اظهار داشت: آنچه که تومی گوئی حقیقت دارد زیرا رومی‌ها دارای چهار فوزه نیکو هستند نخست این که آن‌ها بیش از سایر ملت‌ها می‌توانند هر بلا و عذابی را تحمل کنند. دوم این که رومی‌ها هر بلائی را به آسانی پشت سر می‌گذارند. سوم این که پس از این که بلاها را پشت سر گذاشتند بی‌درنگ به جنگ بازمی‌گردند چهارم این که بیش از سایر ملت‌ها به افراد تهیدست، ناتوان و یتیم کمک می‌کنند. آن‌ها فوزه پنجمی نیز دارند که بسیار نیکو و شایسته بوده و عبارت ازین است که اجازه نمی‌دهند پادشاهان نسبت به آن‌ها ستمگری کنند. (صحیح مسلم کتاب الفتان – ج ۸ ص ۱۷۶) مشکات المصابیح می‌نویسد:

پیش از فرا رسیدن روز قیامت هفتاد هزار نفر از فرزندان اسحاق در جنگی با یونانی‌ها و رومی‌ها درگیر خواهند شد و هرچه تلاش می‌کنند بر زور اسلحه بر دشمن پیروز شوند این کار ممکن نمی‌شود تا این که آن‌ها فریاد‌های لا اله الا الله و الله اکبر سر می‌دهند. با بلند شدن این فریادها ناگهان دیوارهای قسطنطنیه فرو می‌ریزد و مسلمانان

بر دشمن پیروز می‌شوند پس از آن مسلمانان پیروز با شادی مشغول تقسیم کردن **غنیمت های جنگ بین خود می‌شوند** ولی ناگهان خبر ظهور دجال به آنها می‌رسد و از اینرو آنها غنیمت های جنگ را ترک می‌کنند و به شهر های خود باز می‌گردند (مشکات المصابیح - جلد ۴) باید توجه داشت که در بخش جنگ با رومی‌ها احادیث گفته شده زیاد تر تکیه بر غنیمت های جنگی دارد تا روشن شدن موضوعات دیگر. چون غنایم جنگی انگیزه اصلی حملات اعراب وحشی بر سر زمین‌های دیگر و تاراج هستی مادی و معنوی شان بوده است.

شکاف بر داشتن ماه: نظر به نوشته بن کثیر همه عالمان اتفاق دارند که در زمان رسول الله مهتاب به دو تکه تقسیم شده است و انشقاق ماه از جمله معجزه های بزرگ محمد است (تفسیر بن کثیر ج ۶ ص ۴۶۹) و قرآن در باره دو نیم شدن کره ماه در سوره القمر آیات ۱ و ۲ چنین می‌گوید (قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت و اگر مشرکان معجزه ای بزرگی را ببینند از آن روی گردان می‌گردند و (بدان ایمان نمی‌آورند) و م یگویند جادوی گذرا و نا پایداری است.)

امام «نووی» به نقل از قاضی عیاض می‌گوید: دو تکه شدن ماه یکی از معجزه های مهم و اساسی محمد است جمع فراوانی از اصحاب انشقاق ماه را روایت کرده‌اند علاوه بر آن آیت و سیاقش در این خصوص بسیار روشن و واضح هستند. زجاج می‌گوید: بعضی از مبتدعین و مخالفین امت اسلامی به خاطر کوری و ظلمت قلب منکر آن هستند البته عقل در این باره حق سخن گفتن و اظهار نظر را ندارد چون ماه مخلوق و آفریده خداوند است و خدا بناء به اراده و مشیت خود در آن تصرف می‌کند همانطور که در قیامت دو حالت فنا و تکویر را بر این مخلوق مأمور جاری می‌سازد (نووی شرح مسلم ج ۱۷ ص ۱۴۳) (اما متأسفانه اولین انسانی که قدم بر سطح ماه گذاشت متوجه این دو نصف شدن نگردید و یا اگر هم شد بنا بر دلایلی از شرح در باره آن روی ملحوظاتی خود داری نموده و هیچ نوع معلوماتی نداده و اسراری را برای بشریت فاش نساخت.) از محمد خواستند تا معجزه ای را به آنان نشان دهد و محمد دو بار انشقاق ماه را به آنها نشان داد (صحیح مسلم باب انشقاق القمر ج ۴ ص ۲۱۵۹ حدیث شماره ۲۸۰۲)

در روایتی از بن مسعود نقل شده: ما همراه رسول الله در منا بودیم ماه بر اثر معجزه رسول الله به دو بخش تقسیم شد قسمتی از آن در پشت کوه و قسمت دیگر در منطقه ای پائین‌تر قرار گرفت پیامبر خطاب به ما فرمود: شاهد و گواه باشید) مسلم باب انشقاق القمر ج ۴ ص ۲۱۵۹ حدیث ۲۸۰۰

همچنان ناصر الدین آلبانی در صحیح جامع الصغیر این حدیث را آورده است: از حضرت بن مسعود روایت شده که رسول الله فرمودند: "از جمله علایم نزدیک شدن قیامت کلفت شدن ماه شب اول است" از حضرت انس روایت شده که محمد گفت: از جمله علایم قیامت این است که «هلال» ماه شب اول کلفت به نظر می‌رسد به گونه ای که رؤیت کنندگان آنرا دو شبه می‌پندارند و مسجد ها در مسیر (یعنی محل راه رفتن) قرار می‌گیرند و مرگ های ناگهانی رخ می‌دهد. امام احمد حنبل در مسند خود از ابو سعید خطری نقل می‌کند:

گرگی بر گوسفندی حمله برد و گوسفند را گرفت چو پان دنبال گوسفند رفت و آنرا از گرگ پس گرفت. گرگ دم را روی زمین گذاشت و نشست و گفت: **از خدا نمی‌ترسی روزی و نصیبم را از من می‌گیری؟** چوپان گفت: بسیار شگفت آور است که گرگی روی دمش نشسته و با من سخن می‌گوید. **گرگ گفت:** سخن شگفت‌آور تر از این را برایت نگویم؟ محمد در یثرب مردم را از اخبار گذشتگان اطلاع می‌دهد. چوپان گوسفندانش را به طرف مدینه می‌برد و به داخل مدینه رفت و گوسفندان را به گوشه‌ای در شهر رساند و خودش نزد محمد آمد و جریان گرگ را برایش باز گو کرد محمد دستور داد تا مردم برای نماز جمع شوند سپس خودش از خانه بیرون آمد و خطاب به

چوپان فرمود: جریان گرگ را به مردم باز گو کن. چوپان جریان را تعریف کرد و محمد گفت: (چوپان راست می گوید سو گند به ذات یگانه خداوند که جان من در قبض قدرت اوست **قیامت بر پا نمی شود تا این که درندگان با انسان ها حرف نزنند و انسان با تازیانه و بند کفشش به سخن نیاید؟؟؟؟**)

جهجا: همچنان در احادیث نبوی از جهجا مرد سخت گیر و تند خوی صحبت می شود که از **طایفه قحطان و حکومت به او می رسد**. در صحیح بخاری از ابو حریره، از محمد روایت شده که محمد گفت: **قیامت بر پا نمی شود تا این که مردی از قبیله ای قحطان ظاهر می شود** و مردم را به سوی گناه و نافرمانی سوق می دهد. (بخاری و مسلم) و همچنان در روایت مسلم آمده است (شبها و روزها تمام نمی شوند تا آن که مردی به نام جهجا قدرت را به دست نگیرد). (بخاری کتاب الفتان ج ۱۳ ص ۷۶) ممکن است جهجا روایت دوم غیر از جهجا روایت اول باشد چون در حدیث امام ترمذی به صحت رسیده که این جهجا از موالی (غلامان) است. در سنن ترمذی ابوهریره روایت شده که پیامبر فرمود: (شب و روز تمام نمی شود (یعنی قیامت فرا نمی رسد) تا شخصی به نام جهجا که از غلامان است به قدرت نرسد)

اکنون می پردازیم به موجودی دیگر به نام **(سکندر ذوالقرنین)** که به ارتباط افسانه و داستانی اسلامی پیدا شدن طایفه ای به نام یاجوج و ماجوج در قرآن و احادیث نبوی به آن اشاراتی شده است. الله در سوره کهف آیات ۸۴ تا ۹۸ برای تثبیت موجودیت یاجوج و ماجوج از شخص دیگری به نام ذوالقرنین نام برده است و جریان چنین است: در کتابها، اخبار و حدیث و تفسیر از ترمذی و نسائی و احمد در کتابهای تاریخ از محمد بن جریر طبری و قرمانی و قرطبی و همچنین در تورات و قرآن نام ذوالقرنین برده شده و برخی وی را پیامبر دانسته اند بعضی پادشاه بزرگ روی زمین. و برخی او را پسر خاله خضر پیامبر دانسته اند. سوره کهف از آیات ۸۴ تا ۹۸ در باره ذوالقرنین می گوید:

(و می پرسند ترا از ذوالقرنین بگو خواهیم خواند بر شما از حال وی خبری ما دسترس دادیم او را در زمین و دادیم او را از هر چیز نصیب و به این وسیله تا آنجا پیش رفت که به **محل غروب خورشید رسید** و چنان دید که خورشید در چشمه ای **گل آلود فرو می رود** و در آنجا قومی یافت به او گفتیم اکنون می توانی در باره آنان به عذاب و ستم رفتار کنی و یا این که به نیکویی عمل کنی. گفت کسی که بیدادگر است به زودی عذاب خواهد دید و پس از آن که به سوی خدا رفت عذابی شدید دامنگیر او خواهد شد اما کسی که ایمان آورد و رفتار نیکو نماید از طرف خدای عالم در کار او گشایشی است. سپس با وسایلی که در اختیار ذوالقرنین گذاشتم تا بدانجا رفت که **خورشید طلوع می کند** و در آنجا قومی را یافت که کلمه ای زبان نمی فهمیدند. مردم به «ذوالقرنین» گفتند: در اینجا قومی زندگی می کند به نام یاجوج و ماجوج که مرتکب وحشیگری، خونریزی و فساد بسیار می شوند آیا اگر ما هزینه آن را به دوش بگیریم حاضری بین ما و آن ها سدی بسازی تا ما از شر آنها آسوده شویم؟؟ ذوالقرنین گفت: ثروتی را که الله به من داده از هزینه شما بهتر است ولی شما به توانائی بازو به من کمک کنید تا من سدی برای شما بسازم که به گونه کامل مانع دستبرد آن ها شود) سپس ذوالقرنین دستور داد قطعاتی آهن بیاورند و سپس زمین را تا هنگامیکه به آب برسد بکنند و از ژرفای زمین تا بلندی دو کوه از سنگ و آهن دیواری بسازند و سپس آتش بیفروزند و به وسیله آن آهن ها را گداخته کنند و آنگاه مس گداخته بر آن آهن و سنگ بریزند و بدین ترتیب دیگر آن قوم هرگز نخواهند توانست آن سد را بشکنند و نه اینکه بالای آن بروند. همچنین ذوالقرنین افزود: که همه این کارها با قدرت و لطف الله انجام خواهد گرفت ولی زمانی خواهد رسید که بر پایه وعده الله آن سد متلاشی شده و فرو می ریزد و تبدیل به خاک خواهد شد و البته وعده ای خدا راست خواهد بود)

در زمان ابراهیم پادشاهی بود که او را «ذوالقرنین» می گفتند و مفسرین برای ذوالقرنین دو مفهوم را ارایه می دارند: یکی این که او دارای دو سر بوده و دیگر این که از شرق تا غرب جهان را زیر نفوذ خود آورده بود «ذوالقرنین» را سکندر نیز می گفتند زیرا او در اسکندریه تولد یافته است. هنگامی که ابراهیم برای نخستین بار خانه کعبه را بنا نمود ذوالقرنین با او به طواف خانه کعبه پرداخت و دین او را پذیرفته و پیرو او شد. ذوالقرنین مرد نیکو کار و پادشاه بزرگ بود الله به او قدرت زیادی داد و او را فرمانروای شرق و غرب نمود. او تمام پادشاهان روی زمین را زیر نفوذ خود قرار داد. هنگامیکه او در یکی از مسافرت هایش به سمت شرق میرفت در گردنآ بین دو کوه افرادی را مشاهده کرد که در آن محل با هیچ یک از نقاط دیگر دنیا رابطه و پیوندی نداشتند و ازین رو هیچ چیزی نمی فهمیدند. این افراد همان اقوام یاجوج و ماجوج بودند که به هر سمت کوه پراکنده شده و به آزار و اذیت مردم دنیا و گسترش فساد می پرداختند.

«سید قطب» در تفسیری که بر قرآن نوشته توضیح داده است که با اطمینان نمی توان گفت محل این دو کوهی که قرآن از آن نام برده در چه محلی از دنیا قرار دارد ولی آنچه که از مفهوم آیات ۸۴ تا ۹۸ سوره کهف بر می آید آنست که ذوالقرنین به دو کوه طبیعی و یا مصنوعی که به وسیله گردنه ای از همدیگر جدا شده رسیده و در آنجا با افرادی بر خورد کرده که با یکدیگر سر گرم بحث بوده اند. این افراد چون ذوالقرنین را فرد نیک پرست و خوشخواه تشخیص داده اند از او درخواست کرده اند بین آنها و طایفه های یاجوج و ماجوج سدی بسازد تا آنها از شر حمله های آن طایفه ها در امان بمانند و خلاصه این که در باره ذوالقرنین و افسانه های وی نوشته های زیادی وجود دارد که البته در وقت اضافی به همچو اضافات خرافاتی خواهیم پرداخت.

مآخذ و منابع:

قرآن - ترجمه مهدی الهی قمشه ای

تاریخ ادیان

تفسیر کابلی

صحیح بخاری کتاب الانبیا جلد ۴

صحیح بخاری - کتاب الفتان جلد ۶ و ۸ و ۹

مسعود انصاری - کتاب قیامت

احمد بن حنبل کتاب مسند ج ۲ - ۳

بن کثیر کتاب علامات پیشین قیامت

مشکات المصباح ج ۴

بن ماجه - الفتان - حدیث ۴۰۷۷

صحیح بخاری - کتاب المساجد جلد ۲

صحیح مسلم - کتاب المسافرون ج ۲

قصص الانبیا - مولانا محمد جویری

ملا محمد باقر مجلسی - کتاب بحار الانوار

عبدالله محمد خوج - کتاب پایان مسافرت

مسلم - کتاب الایمان ج ۱ و ۲

ابو داوود - كتاب المناحي
تامس هوگز - دگشتری اسلام